

طلیعه داستان‌نویسی زنان در دیار ترکان

حسن اکبری بیرق*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۵ (صفحه: ۱۴۱-۱۵۲)

چکیده: ظهور زنان در عرصه‌های کنشگری اجتماعی، سیاسی، ادبی و هنری در هر جامعه‌ای یکی از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته محسوب می‌شود. در مورد ترکیه نیز، از زمان مشروطیت به این سو، به نظر می‌رسد زنان در عرصه عمومی تأثیرگذارتر از پیش بوده و حقوق متفاوت و مختلفی به دست آورده‌اند. در این میان، فرایند غربی شدن نقش عمده‌ای در تسریع این روند داشته است. از سوی دیگر تحولات اجتماعی ترکیه در فراهم آوردن زمینه‌های تحول ادبی نیز تأثیر قابل توجهی بر جای نهاده است.

در این جستار، به نحوی تحلیلی و روایتگرانه، نشان خواهیم داد که صرف نظر از شاعران زنی که در سنت کهن ادبیات عامیانه حضور داشته اما ناشناخته باقی مانده‌اند و همچنین فارغ از شاعران زن ادبیات درباری — که موضوع پژوهش ما نیستند، می‌توان ادعا کرد که تاریخ نویسندگان زن در ادبیات ترک با فاطمه عالیه خانم در قرن نوزدهم آغاز شده و آیندگان نیز از او تأثیر پذیرفته‌اند. پس از اعلام

جمهوریت و ظهور خالده ادیب آدی‌وار، شمار نویسندگان زن در ادبیات ترکیه افزایش یافت و احساسات زنانه در رمان‌نویسی ترکیه بازتاب پیدا کرد.

کلیدواژه‌ها: مدرنیته، ترکیه نوین، ادبیات داستانی، زنان داستان‌نویس ترک، فاطمه عالیه، خالده ادیب آدی‌وار.

۱ درآمد

پدیده داستان‌نویسی زنان را در قلمرو فرهنگی و تمدنی عثمانی و ترکیه باید ذیل تاریخ مدرنیّت و تجدّد در آن دیار مطالعه کرد؛ چرا که هم داستان به معنای نوین آن امری است مدرن و هم ورود زنان در عرصه کنش اجتماعی به طور عام و خلاقیت هنری و ادبی به نحو خاص، در آن زمانه و زمینه، کاری روشنفکرانه و نشانه ورود به دوره مدرنیته به شمار می‌آمده است. بنابراین، برای روایت کردن سرآغاز رمان‌نویسی زنان در ترکیه و بازنمایی ریشه‌ها و خاستگاه‌های این پدیده تاریخی - ادبی، باید تاریخ مدرنیسم را در این کشور کاوید و ادبیات مدرن این سرزمین را در بیش از یکصد سال گذشته بررسی کرد.

از آنجا که گزارش سرگذشت تجدّد و واکاوی پیشینه داستان‌نویسی در عثمانی دیروز و ترکیه امروز در مجال این مقال ممکن نیست، با نگاهی گذرا به هردو مقوله، به اندازه‌ای که پرتوی بر فضای جستارمان بیفکند، بسنده می‌کنیم.

جایگاه زن در ترکیه در آستانه قرن بیستم

پیش از ورود به موضوع قصه‌نویسان زن در ترکیه، یادکرد این نکته بایسته است که ساختارهای اندیشه بشری در جهان سده نوزدهم دگرگونی‌های بنیادینی به خود دید و گویی، در آن بازه زمانی ویژه، کوشش‌های چند صد ساله اندیشمندان و فیلسوفان غربی به بار نشست و سرانجام عالمی و آدمی از نو ساخته شد و مطالبه آزادی، برابری و عدالت به سکه رایج آن دوران تبدیل شد.

تغییراتی این‌چنین اساسی در دنیای غرب، طبعاً امپراتوری عثمانی را که ایام ضعف و روزهای واپسینش را می‌گذراند تحت تأثیر قرار داد. موج‌های هرچند بی‌رمق سیلی چنان بنیان‌کن که در اروپا به راه افتاده بود، آن سرزمین را بی‌نصیب نگذاشت و به تدریج دستخوش تحولاتی بنیادی نمود. یکی از آن دگرگونی‌ها، در حوزه جایگاه زن در جامعه آن روز عثمانی و ترکیه فعلی روی داد. در چنان فضایی، زنان عثمانی نیز آرام‌آرام با هدف دفاع از حقوق خویش دست به تحرکاتی زدند که بخشی از آن ورود ایشان به عرصه مشارکت اجتماعی و به دنبال آن خلاقیت‌های ادبی بود که پیش‌تر سابقه نداشت. اصولاً بسیاری از مسائل اجتماعی در عثمانی آن روز از تقابل تلقی رایج از اسلام و غرب‌گرایی نشئت می‌گرفت؛ از این رو، موضوع زنان از تنش بین این دو مفهوم اصلی متولد شد و نخستین ثمره آن آزادی روزافزون زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و از پشت پرده به روی صحنه آمدن بود. روشنفکران در خط مقدم طرح موضوعات زنان بودند و در نتیجه این مسئله مورد توجه بخش‌های اصلی جامعه قرار گرفت (Göle 2008: 70; Durakbaşa 1998: 40).

بیش و پیش از همه، این نحوه زیست زنان عثمانی بود که آینه تمام‌نمای غرب‌گرایی و تحول در مؤلفه‌های تمدنی بعد از دوره تنظیمات شد. رمضان گلندام، با تکیه بر این موضوع تحول زنان را در جامعه ترک، به مثابه یک شاخص، این‌گونه ترسیم می‌کند:

در جامعه پس از تنظیمات ترکیه، این زنان بودند که از روند غربی شدن و تغییرات حاصل از آن بیشترین تأثیر را پذیرفتند. در جامعه ترکیه، زنان با وضعیتشان در جامعه، جایگاهشان در خانواده، و طرز لباس پوشیدن و آرایششان ملاک و معیار و نمود و نماد عبور از یک مرحله تمدنی به مرحله دیگر شده بودند. در ترکیه پس از دوره تنظیمات، به مسئله زن، از طرف ایدئولوژی رسمی با ذهنیت مدرن و به مثابه بخشی از روند مدرنیزاسیون نگریسته می‌شد و زن که نقطه کانونی عقب ماندگی جامعه تلقی می‌گشت، به یک مسئله برای پیشرفت جامعه تبدیل شده بود که باید حل شود (Gülendam 2006: 14).

بنابراین، حتی در میان نخبگان فکری نیز زن بخشی از مسئله‌ای درازدامن و

مشکلی بزرگ‌تر به نام سنت و مدرنیته بود که باید به‌نحوی حلّ و فصل می‌شد تا جامعه طریقی تجدد و ترقی را بییماید. با همه این احوال، در این دوره، در تمامی نشریاتی که از حقوق زنان در غرب سخن به میان می‌آمد، برای زنان آن دیار سه اصل قابل دفاع مطرح بود و در واقع سه نقش برای زنان در جامعه به رسمیت شناخته می‌شد: مادر خوب، همسر خوب و مسلمان خوب بودن. البته نباید از نظر دور داشت که اصولی مدرن نیز در این زمینه مورد تأکید قرار می‌گرفت که عبارت بود از نهاد خانواده و تک‌همسری، و به رسمیت شناختن حق آموزش برای زنان و حضور آنان در جامعه (Güzel 1985: 859).

۲ زنان ترک و تجدد

این تکاپوها در راستای مدرنیزاسیون، به‌ویژه در حوزه حقوق زنان و نقش اجتماعی و فرهنگی آنان چندین بی‌نتیجه نبود؛ به گونه‌ای که امپراتوری عثمانی برای نخستین بار در سال ۱۸۴۴م، در سرشماری نفوس و جمعیت، زنان را نیز بخشی از جامعه به شمار آورده و اجازه سرشماری از آنان را هم صادر کرد. تا آن زمان زنان جزو جمعیت کشور به شمار نمی‌آمدند! این امر باعث شد که زنان برای نخستین بار، از تربیون‌های رسمی، ابراز وجود کرده و صدایشان شنیده شود. به علاوه، در این دوره در سال ۱۸۵۸م، برای نخستین بار، بر اساس قانون اراضی، دختران توانستند حق وراثت را به دست آورده و میراثی برابر با برادران خود ببرند.

بعد از اعلام مشروطیت، در سایه محیط آزادی که به وجود آمد، از سوی حزب اتحاد و ترقی، برنامه‌هایی برای بهبود شرایط زنان طراحی و در نظر گرفته شد. در اول ماه مه ۱۹۱۳، در نشست که در محله سلطان احمد استانبول برگزار شد، سخنرانی شورانگیز خالده ادیب آدی‌وار^۱ (۱۸۸۴-۱۹۶۴م) — که درباره او به تفصیل سخن خواهیم گفت — به یکی از نخستین نشانه‌های حیات اجتماعی زنان و نمادی از ورود آنان به عرصه اجتماع بدل شد. در سال ۱۹۱۴م نیز زنان برای نخستین بار به دانشگاه راه یافتند و دارالفنون

1. Halide Edip Adivar

دخترانه افتتاح شد، که در آن، دختران در رشته‌های علوم انسانی پذیرفته شدند. البته این تحولات، به‌ویژه از سوی اقشار مذهبی جامعه، تندروی قلمداد شد و واکنش‌های مختلفی برانگیخت. روشنفکران آن عصر، به رغم واکنش منفی سنت‌گرایان، این اقدامات را تلاش‌هایی در راستای غربی‌سازی ارزیابی کردند. با وجود این مشکلات و دشواری‌ها، پیشرفت‌های قابل‌اعتنایی در زمینه آزادی زنان، با انتشار نشریات ویژه بانوان از جمله مجموعه زن^۱، دنیای زنان^۲، زن^۳، محاسن^۴، و... سرعت بیشتری گرفت (ibid: 861).

ظهور مصطفی کمال آتاتورک و اعلام جمهوریت و، پس از آن، جنگ جهانی دوم طبعاً وقفه‌ای در تکاپوهای روشنفکری و احقاق حقوق زنان و درخشش نویسندگان زن ایجاد کرد. البته این وضعیت به ترکیه اختصاص نداشت و در اروپای آن دوره نیز وضع کمابیش همین‌گونه بود.

۳ سرآغاز نویسندگی زنان ترک

نخستین نشانه‌های ظهور و بروز زنان در عرصه قلم، در دوره امپراتوری عثمانی، از طریق مطبوعات آن عصر بازتاب یافته است. در ابتدا در مجلاتی آوانگارد و پیشرو، همچون ترقی، حتی نویسندگان مرد نیز درباره حقوق زنان می‌نوشتند. پس از آن، ضمیمه‌های ویژه زنان در روزنامه‌ها، و سپس روزنامه‌های مستقل زنان پا به عرصه وجود نهادند، که از میان آنها می‌توان به مجلاتی چون زمان^۵، شکوفه‌زار^۶، انسانیت^۷، آینه^۸، خانواده^۹، و بقچه پارچه‌ای^{۱۰} اشاره کرد. حق طبع برخی از این نشریات کاملاً مربوط به زنان بوده است. در این نشریات و روزنامه‌ها، نویسنده مشهور زن آن دوره، فاطمه عالیه خانم قلم

1. Kadın Mecmuası
2. Kadınlar Dünyası
3. Kadın
4. Mehasin
5. Vakit
6. Şüküfezâr
7. İnsanîyet
8. Âyine
9. Aile
10. Parça Bohçası

می‌زد. نشریه‌ای نیز با عنوان *مخصوص بانوان*^۱ به همت گروهی متشکل از زنان نویسندگان منتشر می‌شد، که از جایگاه مهمی برخوردار بود (KURNAZ 1996: 55).

۴ نخستین داستان‌نویسان زن ترک

پیش از ورود به بحث طلیعه داستان‌نویسی در میان زنان ترکیه، باید این نکته مهم را یادآور شویم که این پدیده یک باره و بدون پیشینه در جامعه ترکیه آن زمان ظاهر نشده، بلکه عقبه‌ای تاریخی داشته است. توضیح اینکه ادبیات عامیانه و درباری، در سرزمین آناتولی، قرن‌ها پیشینه داشته است؛ و با نگاهی گذرا به این سنت دیرین، در می‌یابیم که در بیشتر آثار گمنام و ناشناخته فولکلوریک و عامیانه ترکی، مضامین مربوط به زن، به فراوانی یافت می‌شود (← KARATAŞ 2009: 1660-1661). از سوی دیگر، در آفرینش بسیاری از لالایی‌ها، افسانه‌ها، سوگ‌سرودها و... رد پای زنان کاملاً هویدا است. علاوه بر این، در حوزه جذاب ادبیات عاشقانه که بیشتر مردانه است، تعداد قابل توجهی از اشعار فولکلوریک شناخته شده است که در پای آنها امضای ترانه‌سرایان زن به چشم می‌خورد. با این حال، به دلیل کمبود مطالعات درباره این موضوع، بسیاری از زنان شاعر و نویسندگان ترک همچنان ناشناخته مانده‌اند.

صرف نظر از این موضوع، باید اذعان کرد که اولین نویسندگان زن در ادبیات ترکیه پس از ۱۹۰۸م ظهور کردند. محرومیت زنان از حقوقشان در دوره امپراتوری عثمانی و این واقعیت که احقاق حقوق زنان منوط به ایجاد یک دولت - ملت جدید است مهم‌ترین عوامل در تأخیر این روند بود. گفتنی است که تحت تأثیر همین دلایل بود که اولین نویسندگان زن ترک اغلب تحت تعلیم معلمان خصوصی یا در کالج‌هایی در کشورهای خارجی پرورش یافته بودند.

با همه این اوصاف، بنا بر قول شایع و اجماع صاحب‌نظران، نخستین رمان‌نویس زن ترک، به معنای واقعی کلمه، در دوره تنظیمات ظهور کرد که فاطمه عالیه توپوز^۲ (۱۸۶۲-)

1. *Hanımlara Mahsus*

2. *Fatma Aliye Topuz*

۱۹۳۶م) نام داشت و به «عالیه خانم» معروف بود. او، در عین حال، روزنامه‌نگار، مقاله‌نویس و فعال حقوق زنان بود و نشریه‌ای به نام *مخصوص بانوان* – که پیش‌تر به آن اشاره شد – و بعدها مجله‌ای با عنوان *محاسن*^۱ منتشر کرد، که البته انتشار آنها دیرزمانی نپایید و متوقف شد (← عبدالفتاح ۲۰۱۰: ۴۷۸). عالیه خانم و احمد مدحت افندی^۲ (۱۸۴۴-۱۹۱۲م) – نویسنده و روزنامه‌نگار شهیر دوره تنظیمات که مراد و مربی عالیه نیز بود – در سال ۱۸۹۱ رمانی مشترک به نام *خیال و حقیقت*^۳ را منتشر کردند. دیالوگ‌های شخصیت زن این رمان را عالیه به رشته تحریر درآورد و گفتار شخصیت مرد رمان را احمد مدحت نگاشت. یک سال بعد، در سال ۱۸۹۲م نخستین رمان مستقل خویش را به نام *مخدرات*^۴ منتشر، و نام خود را به عنوان اولین رمان‌نویس زن در تاریخ ادبیات ترکیه جاودانه کرد. فاطمه عالیه، در آثاری که به رشته تحریر درآورد، احساسات زنانه خود و زنان هم‌نسلش را در قالب رمان و داستان بازنمایی کرد. گفتمان مسلط در آثار او حاصل نگاهی رمانتیک – تراژیک به مسائل زنان آن دوره است (← Akyüz 1979: 134). او، در رمان‌های خود، ازدواج‌های ناموفق و ناخوشایند و عشق‌های نافرجام زنان را به تصویر می‌کشد. مهم‌ترین آثار او از این قرار است: *رفعت*^۵ (۱۸۹۸م)، *عودی*^۶ (۱۸۹۹م)، *نین*^۷ (۱۹۱۰م) (KARATŞ 2009: 1661).

اولین رمان‌نویس فمینیست ترک هم سلما رضا^۸ (۱۸۷۲-۱۹۳۱م) نام دارد (HAZER 2011: 875). او در رمانی به نام *خوت*^۹، که در سال ۱۸۹۷م نوشت، حکایت زنی تحصیل کرده و با معلومات به نام ملیحه را روایت می‌کند. ملیحه، به نحوی که نسبت به حال و هوای آن دوره افراطی به نظر می‌رسید، ازدواج را نوعی اسارت می‌داند و، در نتیجه، خود را وقف برادرانش می‌کند و زندگی‌اش را با فداکاری و ایثار در حق آنها می‌گذراند (AYTAÇ 2007: 394).

1. *Mehasin*
2. *Ahmet Mithat*
3. *Hayal ve Hakikat*
4. *Muhadarat*
5. *Refet*
6. *Udi*
7. *Enin*
8. *Selma Rıza*
9. *Uhuvvet*

این حقیقتی انکارناپذیر است که نویسندگان زن در این دوره با محدودیت‌های فراوانی مواجه بودند و بیان چنین عقایدی، آن هم با زبان هنر و ادبیات داستانی، مستلزم شجاعت اخلاقی فراوانی بود و، بدین لحاظ، زنان نویسنده ترک را باید پیش‌گامان مدرنیته در ترکیه به شمار آورد.

۵ رمان‌نویسان زن در دورهٔ جمهوریت

در فاصلهٔ میان دورهٔ تنظیمات تا جمهوریت، دل‌مشغولی اصلی حاکمان و روشنفکران سامان دادن به جامعه‌ای در نوسان بین شرق و غرب بود. در آن دوران، نحوهٔ سازگاری بین ارزش‌های شرقی و غربی مسئله‌ای بود که همچنان به قوت خود باقی است.

در دورهٔ مشروطیت دوم، غرب‌گرایان و اسلام‌گرایان دربارهٔ موضوع زن آراء متناقضی داشتند. طرفداران غرب استدلال می‌کردند که زنان باید به گونه‌ای شبیه یک زن اروپایی تحصیل کنند و نباید از عرصهٔ اجتماع غایب شوند. عبدالله جودت^۱ (۱۸۶۹-۱۹۳۲م)، که از بنیان‌گذاران «جمعیت اتحاد و ترقی» بود، همانند روشنفکرانی چون توفیق فکرت^۲ (۱۸۶۷-۱۹۱۵م)، ضمن بیان اینکه اندیشه‌های دینی راه را برای جنس دوم خواندن زنان از سوی مردان می‌گشاید، تأکید می‌کرد که، برای رسیدن به جامعه‌ای مدرن، باید زن را به مقام انسانیت ارتقا داد (Göle 2008: 59-60).

با فرا رسیدن دورهٔ جمهوریت، زنان در بسیاری از مسائل، مانند طرز لباس پوشیدن و اجازهٔ کار و حق مسافرت، به آزادی رسیدند. در سال‌های جمهوریت، آزادی انتخاب مشاغل چون معلمی و پرستاری، علاوه بر نقش مادری، برای زن بسیار حائز اهمیت بود. اصلاحات کمالیستی^۳ زن را به حوزهٔ اجتماع منتقل کرد و از پس پرده برون آورد، ولی در عین حال، شخصیتی مردانه به او بخشید و نوعی مردِ زن‌نما پدید آورد. حضور بانوان در کوچه و بازار یکی از نخستین شاخص‌ها و نمادهای غربی شدن در ترکیه به شمار می‌آمد. دولت نیز از این پدیده حمایت می‌کرد (ibid: 99-100).

1. Abdullah Cevdet Karlıdağ

2. Tewfik Fikret

۳. کمالیسم به معنی طرفداران فکری آتاتورک است.

سرآمدِ نویسندگان زن ترکیه در دوران ادبیات ملی خالده ادیب آدی‌وار بود (Akyüz 1979: 176; Karata 2009: 1662). این نویسنده زن ترک در دوره‌های مشروطیت دوم عثمانی و جمهوریت زندگی می‌کرد. او، در سال ۱۹۳۵م، رمانی به نام *دلقک* و دخترش^۱ به زبان انگلیسی تألیف کرد، که در آن، شیوه زیست مردم یکی از محله‌های استانبولِ زمان عبدالحمید دوم را به تصویر کشیده بود؛ و همین موضوع، به علاوه ربط و نسبتی که داستان با آداب و رسوم جامعه دارد، اقبال فراوانی برای او به ارمغان آورد. او روایت مفصل‌تر این رمان را، با عنوان *بقال مگس‌در*^۲، در سال ۱۹۳۶م منتشر کرد، که در سال ۱۹۴۲م، از سوی حزب جمهوری خلق (C.H.P)، برنده جایزه بهترین کتاب سال شد. او در دیگر آثار داستانی‌اش نه تنها می‌کوشد صدای زن ترکیه باشد، بلکه با آفریدن قهرمانانی که نماد زن سرکوب‌شده و به دور مانده از هویت خویش‌تَن است، در پی آن بوده که واقعیت‌های زمان خود را بیان کند. بدین لحاظ، آثار او در تاریخ ادبیات ترکیه از جایگاه قابل‌اعتنایی برخوردار است. با توجه به اهمیت این نویسنده زن پرکار، نگاهی اجمالی به اصول بنیادین اندیشه‌های او، در این جستار، بایسته می‌نماید.

خالده ادیب آدی‌وار، در گرماگرم مشاجرات ادبیات ملی و زبان نو، با زبانی جدید و ساده ظهور کرد. حرکت ادبی او از رمانتیسم به سوی رئالیسم امتداد می‌یابد. او با مقالات و داستان‌هایش، که در نشریات مختلف به چاپ می‌رسید، شهرت یافت و بعدها با رمان‌هایش نظرها را به سوی خویش جلب کرد. وی در اولین رمان‌هایش به موضوع عشق و مسائل روان‌شناسی می‌پرداخت، اما بعدها به موضوعاتی مانند ترک‌گرایی، ملی‌گرایی و وطن‌پرستی متمایل شد. خالده در آثار متأخرتر خود در معرفی اشخاص و فضای داستان به سنت‌ها، آداب و رسوم و مسائل نسل‌ها پرداخته و به‌ویژه در رمان‌هایش دست به خلق شخصیت‌هایی نیرومند و فعال زده است. قهرمانان زن در داستان‌های او الگو و بسیار تأثیرگذارند. حوادث رمان‌های او عموماً در استانبول و در زمان حیات نویسنده جریان می‌یابد. شیوه و طرز نگارش او سیال و روان نیست و

1. *The Clown and His Daughter*

2. *Sinekli Bakkal*

جمله‌بندی‌های غیرمعمول و بیانی در پرده و گاه نامفهوم دارد. اما، به رغم سبک نامتعارف، از استحکام اندیشه برخوردار است.

ادیب آدی‌وار، در دوران بیش از نیم قرن نویسندگی خود، در اکثر قالب‌های ادبِ روایی از جمله خاطره‌نویسی، داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و شعر منشور طبع‌آزمایی نمود و دستی در نقد ادبی و ترجمه نیز داشت. رمان‌های او را، که به بیست عنوان می‌رسد، به لحاظ محتوا و مضمون، به سه دسته تقسیم کرده‌اند: (۱) عشق و روان‌شناسی زنان، مانند *سیویه طالب*^۱ (۱۹۰۹م)، *توران جدید*^۲ (۱۹۱۲م)، *واپسین اثر*^۳ (۱۹۱۲م)، حکم موعود^۴ (۱۹۱۸م)، *درد قلب*^۵ (۱۹۲۴م)؛ (۲) سیاسی - ملی، از جمله *پیراهنی از آتش*^۶ (۱۹۲۲م) و *بزنید نامرد را*^۷ (۱۹۲۶م)؛ (۳) اجتماعی، از جمله *بقال مگس دار و آینه گردان*^۸.

۶ فرجام سخن

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان گفت که فاطمه عالیه خانم و خالده ادیب آدی‌وار آغازگران سنت نوپای داستان‌نویسی در میان زنان ترک بودند و این راه پر فراز و نشیب را هموار، و زمینه را برای داستان‌نویسی زنان دوره‌های بعد فراهم کردند. این دو چهره برجسته ادبیات نوین ترکیه، به‌ویژه ادیب آدی‌وار، الگوی زنان دیگر شدند؛ و در نتیجه، زنان مستعد و علاقه‌مند، به پیروی از ایشان، دست به قلم بردند. از این روست که، پس از اعلام جمهوریت و ظهور خالده ادیب آدی‌وار، شمار نویسندگان زن در ادبیات ترکیه افزایش یافت و، به تبع آن، احساسات زنانه در رمان‌های ترکیه به نحو بی‌سابقه‌ای متجلی شد (Enginün 2004: 288). ظهور و بروز عینی این پدیده به گونه‌ای ملموس بود که، در همان دوره، نویسندگان برجسته دیگری از میان زنان شروع به آفریدن آثار

1. *Seviye Talip*
2. *Yeni Turan*
3. *Son Eseri*
4. *Mevut Hükiim*
5. *Kalb Ağrısı*
6. *Ateşten Gömlek*
7. *Vurun Kahpeye*
8. *Döner Ayna*

داستانی خود کردند، از جمله گزیده صبری^۱ (۱۸۸۶-۱۹۴۶م)، مفیده فرید^۲ (۱۸۹۲-۱۹۷۱م)، کریمه نادر^۳ (۱۹۱۷-۱۹۸۴م)، معزز تحسین برکانت^۴ (۱۸۹۹-۱۹۸۴م) و... . در میان نویسندگان زن دوره جمهوریّت، کسانی همچون صفیه اِروُل^۵ (۱۹۰۲-۱۹۶۴م)، سمیحه آی‌وردی^۶ (۱۹۰۵-۱۹۹۳م) و سعاد درویش^۷ (۱۹۰۳-۱۹۷۲م) نیز نام‌آورانی بودند که، با کسب حقوق جدید، راه مدرن شدن، آموزش دیدن و حضور در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال را در پیش گرفتند. به موازات پیشرفت و تکامل جمهوریّت، زنان از خدمات آموزش عالی بیشتر بهره‌مند و بیش از پیش در عرصه‌های حیات اجتماعی نمایان شدند؛ و همین امر باعث شد که آثار باکیفیت‌تری، در مقایسه با آثار نخستین نویسندگان زن، پدید آید (KARATA 2009: 1662).

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که، در این دوران، زنان نویسنده ترک همچنان درگیر مسئله هویت خویش بودند و، به جای آنکه به نقد جامعه مردسالار ترکیه آن دروه پردازند، بیشتر مشغول نقد خود شدند (ATASÜ 1998: 134).

منابع

- عبدالفتاح، علی (۲۰۱۰)، *اعلام المبدعين من علماء العرب و المسلمین، بیروت: دار ابن حزم*.
- Akyüz, Kenan (1979), *Modern Türk Edebiyatının Ana Çizgileri- 1860-1923*, İstanbul: İnkılap Kitabevi.
- ATASÜ, Erendiz (1998), *Edebiyattaki Kadın İmgelerinde Cumhuriyet, İzdüşümleri 75 Yılda Kadınlar ve Erkekler*, A.B. Hacimirzaoğlu (der.), İstanbul: Tarih Vakfı Yayınları s. 129-141.
- AYTAÇ, Gürsel (2007), *Türk Romanında Feminist Söylem, Türk Edebiyatı Tarihi, C. 4*, Genel Editör: Talat Sait Halman, Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları.
- DURAKBAŞA, Ayşe (1998), "Cumhuriyet Döneminde Modern Kadın ve Erkek Kimliklerinin Oluşumu: Kemalist Kadın Kimliği ve 'Münevver Erkekler'", *75 Yılda Kadınlar ve Erkekler*, A.B. Hacimirzaoğlu (der.), İstanbul: Tarih Vakfı Yayınları, s. 29-50.

1. Güzide Sabri
2. Müfide Ferit
3. Kerime Nadir
4. Muazzez Tahsin Berkant
5. Safiye Erol
6. Samiha Ayverdi
7. Suat Derviş

- ENÇİNÜN, İnci (2004), *Cumhuriyet Dönemi Türk Edebiyatı*, İstanbul: Dergâh Yayınları.
- GÖLE, Nilüfer (2008), *Modern Mahrem*, İstanbul: Metis Yayınları.
- GÜLENDAM, Ramazan (2006), *Türk Romanında Kadın Kimliği (1946-1960)*, Konya: Salkımsöğüt Yayınları.
- GÜZEL, Şeymus (1985), "Tanzimat'tan Cumhuriyet'e Toplumsal Değişim ve Kadın", *Tanzimat'tan Cumhuriyet'te Türkiye Ansiklopedisi*, C. 3, İstanbul: İletişim Yayınları.
- HAZER, Gülsemin, "Selma Rıza'nun *Uhuvvet* Romanında Kurmaca Yapı", *Turkish Studies (International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic)*, 6/3, Summer 2011, s. 875-893.
- KARATAŞ, Evren (2009), "Türkiye'de Kadın Hareketleri ve Edebiyatımızda Kadın Sesleri", *Turkish Studies (International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic)*, 4/8, Fall, s. 1652-1673.
- KURNAZ, Şefika (1996), *II. Meşrutiyet Döneminde Türk Kadını*, İstanbul: Millî Eğitim Bakanlığı Yayınevi.

